

# سخنرانی رفیق داود اسعد، مسوول بخش روابط بین المللی نهضت آینده افغانستان در سیزدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



رفقای گرانقدر و ارجمند،

خرسندم از اینکه در کار سیزدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نمایندگی از هیئت اجراییه نهضت آینده افغانستان افتخار شرکت دارم. همانطوریکه همه می دانیم خلق های افغانستان و ایران را روابط دیرینه همسایگی خارج از سیاست بازیهای ضد مردمی رژیمهای فرتوت و دست نشانده امپریالیزم بین المللی با هم پیوند داده است. ما همیشه از تجارب همدیگر استفاده معقول کرده و به این عنعنه پسندیده ادامه می دهیم. ازهمینجاست که می خواهیم امروز در چهار چوبه کنگره حاضر که بخشی از آن را اوضاع اطراف ایران و برنامه های هسته یی آن تشکیل می دهد مکث کوتاهی نمایم و تجارب حاصله از مبارزه ضدامپریالیستی مردم افغانستان و راه های برون رفت از بحران هم گیر کشوری و منطقه یی را به شما وسیله گردم.

رفقای عزیز،

در شرایطی که هیولای سرمایه از امپریالیزم گذار به جهانخواری برهنه کرده و به گفته سیاستمداران غربی اکنون امنیت اروپا در کوهپایه های هندوکش دفاع می شود و فردا هم در کوهپایه های البرز به دفاع از آن خواهند پرداخت، شیوه ها و اسلوب مبارزه نیز با اتکا به جهانبینی علمی دچار تغییر می گردد.

اگر به بررسی اوضاع داخلی افغانستان بپردازیم، دیده می شود که امروز یک الیگارشی فاسد مافیایی به معنای دقیق کلمه، بر کشور حکومت می کند. سکانهای اساسی قدرت در دست همین الیگارشی قرار دارند، فاصله میان قطبهای ثروت و فقر به طور روز افزونی زیاد می گردد. اعمال لجام گسیخته قدرت در جهت حفظ دارائیهای افسانه یی، یا فرا چنگ آوردن زمینه های جدید ثروت اندوزی، هم خصلت طبقاتی نظام و هم ضعف پایه های اجتماعی و سیاسی آن را آشکار می سازد. نظام از درون پوسیده است و در صورت نبود حمایت نیروهای بیگانه، فرو می پاشد.

در برابر وضعیت حاکم، مردم افغانستان با ابراز انزجار، بیزاری و خشم، واکنش نشان می دهند. کمتر نظامی در تاریخ کشور بدین حد منفور، غیر مردمی، چپاولگر و در عین زمان دارای امکانات و وسایل عظیم مالی و حمایت گسترده بین المللی بوده است. اگر اکثریت مردم و به ویژه روشنفکران کشور با دوره حاکمیت ح. د. خ. برخورد حسرت آلود می کنند، عمدتاً ناشی از همین ویژه گیهای نظام کنونی است.

خصوصیت دیگر نظام این است که ارتجاع غیر طالبی، دیگر کدام ریزرف قابل توجهی ندارد. حزب اسلامی با آنکه خود را رسماً در اپوزیسیون اعلام می دارد، عملاً در دستگاه دولت کنونی حضور دارد و شریک قدرت است.

حضور قوای ناتو - امریکا وضع تناقض آمیزی را برای افغانستان و منطقه به وجود آورده است. مخالفت با حضور ناتو و عدم همکاری با نیروهای نظامی بیگانه که استقلال کشور را زیر سوال برده است، اصل یا پرنسپیی است که نمیتوان از آن گذشت ولی آیا سیاست تنها شعار دادن اصول است یا کار اجتماعیست که در میدان عینیتهایی که تاریخ در برابر ما قرار میدهد، صورت می پذیرد. **ما باید خصلت تضاد آمیز حضور نیروهای مسلح ناتو - امریکا را در افغانستان بفهمیم:** اگر ما در وضع بهتر سیاسی - تشکیلاتی قرار می داشتیم، یعنی به حیث یک الترناتیف بالفعل برای نظام کنونی، توان به دست گرفتن سرنوشت کشور و مردم را میداشتیم و خطر استیلای پاکستان به یاری ارتجاع قرون وسطایی و ایدیالوژیک تحت حمایت آن، نمی بود، رویارویی با ناتو و قوای امریکایی کاملاً موجه می بود. اما امروز، بدیل ملی - دموکراتیک بالفعل وجود ندارد و صدای پای ارتجاع سیاه افغانی - منطقه یی در آستانه مرزهای سرزمین ما به گوش می رسد. تحلیل همین عینیت، خود، راه را به ما نشان می دهد: آیا تشکل الترناتیف دموکراتیک، در حضور امریکا - ناتو از امکان بیشتر برخوردار است یا تحت سیادت

سیاه ترین نیروهایی که دشمن راه یافتن مردم افغانستان به جهان مُدرن و فراگذشتن از بندهای ذهنیت تحمیل شده قرون وسطایی اند؟ پاسخ کاملاً روشن است. هم باید مانع استیلای کامل ارتجاع قرون وسطایی گردید و هم زمینه را برای برگشت قوای بیگانه فراهم ساخت. چنین است باریکراهی که تاریخ در برابر ما قرار داده است. باید با خونسردی و بدون در غلتیدن به دام شعارهای هیجان انگیز و شبه وطنپرستانه، موضوع حضور و برگشت قوای بیگانه را مطرح کرد: ضدیت اصولی ما با هرگونه لشکرکشی به کشورها، با نظامیگری هدفمند امپریالیستی، در شرایط خاص کنونی وطن و منطقه، باید شکل ویژه‌ی را به خود بگیرد. **جنبش دموکراتیک باید از این برهه زمانی که تا برگشت کامل قوای ناتو در اختیار دارد، حد اکثر استفاده را کرده، خود را در یک سازمان بزرگ سیاسی متشکل سازد و زمینه را برای ایجاد بدیل نظام فراهم کند.**

زیرا همه میدانیم که استقلال واقعی سیاسی کشور، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، صرف به وسیله یک نظام دموکراتیک و مردمی تضمین شده میتوانند، یعنی با تشکل نیروهای مترقی و دموکراتیک در یک نهاد بزرگ سیاسی، پیوند دارند. اگر بتوانیم حزب مترقی دادخواهی را بسازیم، به معنای راستین کلمه یک نهاد ملی - دموکراتیک خواهد بود که هم وظایف ملی در مقیاس نگهداشت منافع ملی کشور خواهد داشت و هم وظایف دموکراتیک در دفاع از منافع توده های مردم افغانستان.

## رفقا و دوستان گرامی،

با درک و تحلیل روندها، رویدادها و حرکت‌های جاری درون وضعیت سیاسی کشور، بدون تردید اعلام میداریم که: ناقوس سقوط حاکمیت " مافیایی!"، در کشور به صدا در آمده است و مضحکه این حاکمیت به پایان خواهد رسید. ولی ما نباید این نکته را فراموش کنیم که این امریکا - ناتو و متحدین جهانی و منطقه‌ی آنها بودند که به شبکه های " مافیایی " و " دزدان قافله " اجازه دادند تا مدت ۱۲ سال تمام، نمایش تراژیکی را با شعار های "دموکراسی؛"، "بازسازی؛ و توسعه؛"، "آزادی؛"، "دفاع از حقوق زن؛" و "استقرار صلح، امنیت و ثبات!" بازی کنند.

داوری ما در باره ناروا بودن حاکمیت جاری و سرشت غاصبانه و عقب‌گرایانه نیروهای متشکله پایه‌ی آن بر حق بود، ما میگفتیم که " مبارزه علیه تروریسم، شبکه های القاعده، بنیادگرایی و ناقضین حقوق بشر، ازسوی "امریکا - ناتو" در کنار حاکمان موجود، ممکن است به عوض کنار

زدن آنها از پهنه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، به قوت گرفتن و قانونمند ساختن آنها به عنوانهای دیگر تبدیل گردد". این گفتار ما درست از آب درآمد.

چشم انداز تاریکیها از همین اکنون نمایان است. چنانیکه از وضعیت برمیآید، با انتقال کامل و عجلانۀ مسوولیتهای امنیتی به قوای مسلح موجود افغانستان و خروج نیروهای نظامی ناتو، در سال ۲۰۱۴، وضعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیچیده تر خواهد شد، و شرایط دشوارتر و پرتنش تری برای استقرار صلح، امنیت و ثبات سیاسی در منطقه به وجود خواهد آمد و کشور بسوی انحطاط کامل سوق خواهد گردید و ممکن جنگهای داخلی (میان شاخه های ارتجاع قومی - مذهبی) بر کشور تحمیل گردند.

وضعیت جاری به حق نگرانیهای وسیع مردم و نیروهای ترقیخواه جامعه افغانی را برانگیخته است. نباید گذاشت که نیروهای آزیخواه و عدالت پسند ما، به تحلیل رفته و با ناامیدی صحنه سیاسی کشور را به ارتجاع بنیادگرا و حامیان خارجی آنها واگذار کنند. باید با صراحت گفت که، در برابر چنین وضعیت تاریک و پر از ابهام، نیروهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان حق ندارند سکوت نمایند و فرارسیدن فاجعه را روز شماری و نظارت کنند. تاریخ در برابر کسانی که سکوت را نسبت به ورود در پهنه سیاست کشور، در این برهه، ترجیح میدهند یقیناً قضاوت خود را انجام خواهد داد.

## رفقاً،

ما برآنیم که بحران عمیق و فزاینده جاری، خود زمینه ای است که امکان فعالیت سیاسی را در جامعه، فراهم میسازد. مبارزه سیاسی نیروهای مختلف به ویژه میان جناحهای شریک در قدرت و شاخه هایی از اپوزیسیون دولت، **ضرورت حضور احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه را به طور مستقل یا ائتلافی در پهنه سیاسی کشور متبازر گردانیده است.**

با اتکاً روی همین واقعیت های عینی جامعه افغانی و چشم انداز بر برنامه های خصمانه علیه مردم افغانستان در داخل کشور، در منطقه و در سطح جهانی دریافتیم که طرح نهضت آینده افغانستان برای ایجاد یک نهاد دنیای کار که در نخستین طرح برنامه یی آن سیزده سال پیش اراده گردیده بود، دقیق بوده و در مقطع کنونی، مردم افغانستان به یک نهاد بزرگ سیاسی ترقیخواه و تحول طلب نیاز دارد تا بتواند از طریق آن خواستها، مطالبات و ارده عدالت خواهانۀ

خود را از مجرای سیاسی با اتکا به ارزشهای دموکراتیکِ قوانین نافذ کشور و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، به صورت مسالمت آمیز تبارز دهند.

رفقای عزیز،

چیزی بیشتر از بیست سال از فروپاشی حزب - دولتِ دموکراتیک افغانستان می گذرد. از آن ساختار سیاسی، بیش از سی سازمان کوچک و متوسط و یک اکثریت غیر متشکل باقیمانده است. ح. د. خ. ا یا حزب وطن احیاء نگردیدند. تلاش این یا آن سازمان برای "فراگیر شدن" و جذب دیگر سازمانها در خود، به نتیجه نرسید. با در نظر داشت همین واقعیت عینی، شیوه یی برای تشکل نیروهای مترقی یعنی برای ایجاد یک اتحادیه یا یک ائتلاف بر اساس یک سند مرامی و تشکیلاتی مطرح گردید. پس از یک سال گفتگو و بحث در **مجمع همسویی** در کابل، همین طرح، وزین تر به نظر رسید و ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه به اساس یک پلاتفورم سیاسی - تشکیلاتی اساس گذاشته شد. آنچه در پلاتفورم اهمیت فوق العاده دارد، این است که اعضای ائتلاف می پذیرند که در فرجام در **یک حزب با هم متشکل شوند**، یعنی ائتلاف ما، صرف یک مجمع مقطعی نبوده، بل ادغام استراتژیک اعضا را در یک سازمان واحد، تصریح میدارد. خطوط اساسی - برنامه یی این سازمان را خود پلاتفورم ائتلاف تشکیل می دهد.

از آنجا که سازمانهای متعلق به جنبش دموکراتیک و آن اکثریتِ پراکنده از نگاه طرح اهدافِ نزدیکِ برنامه یی از هم تفاوتِ ماهوی ندارند، تشکل آنها در یک ساختار واحد **یک/امر ممکن** به نظر می رسد.

مشکل در زمینه های زیر نهفته است:

- تعلقات گذشتهٔ گروهی و علاقه مندی به این یا آن شخصیتِ فقید که باعث گونه یی **"خود بلند انگاری"** نسبت به دیگران شده، روحیهٔ افتراق را دامن میزند؛

- ضعف فرهنگ سیاسی که بیشترین باعث مشاجرات بیهوده گردیده از ایجاد فضای سالم بحث جلوگیری می کند؛

- جاه طلبی و خود محور انگاری برخی از افراد و حلقات به طور پنهانی یا آشکارا یا از طریق توسل به مانورهای سیاست بازانه؛
  - تداوم دشمنیهای گذشته و بیماریهای ایدیالوژیک و سازمانی چون غیبت، تفتین، سبوتاژ، نیرنگ، دروغ، افترا و ده ها پتیاره گی دیگر که باعث سر خورده گی و دلسردی هزاران رهرو جنبش گردیده اند؛
  - رُخ به گذشته داشتن: اگر دقیق ملاحظه شود، بیشترین وقت رفقای همنشین به بازگویی قصه های تکراریِ چهل یا سی سال پیش وقف می گردد؛ کمتر کسی از مسایل جدی امروزی جنبش و جامعه، یا از محتویات یک اثر تیوریک و علمی یاد میکند.
- و بلاخر ضعف اراده سیاسی، بی ابتکاری و تنبلی روان فرسود ناشی از مهاجرت یا پیشرفت سن.

### رفقای اندیشمند،

قابل یاددہانی است که با موجودیت این همه مطالب با نخستین نشست در جنوری ۲۰۱۰ در شهر هامبورگ کشور آلمان سنگبنای وحدت یا اتحاد ویا ائتلاف گذاشته شد ودر اجلاس مؤرخ ۲۴ مارچ ۲۰۱۲ با ارائه پلاتفورم سیاسی " ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان " در کابل ایجادشد. از آن زمان بدین سو، از بطن بحران فاجعه بار جاری، زمزمه آرام وحدت و اتحاد نیروهای دموکرات، ترقیخواه و تحول طلب افغانی دارد به یک صدای رسا و به یک فریاد بزرگ دادخواهی تبدیل میگردد. از هر سو مبارزان دادخواه و فعالان سیاسی مترقی و متعهد، از تمام احزاب و نهادهای دموکرات، تحول طلب و ترقیخواه ملی جامعه افغانی، تقاضا دارند تا برای بیرون رفت از وضعیت تکان دهنده و فاجعه بار کنونی تمام نیرو، ابتکار و امکانات شان را در جهت ایجاد یک سازمان بزرگ سیاسی برای خدمتگزاری به خلقهای مظلوم افغانستان، به کار گیرند.

ما از کلیه نهادها، حلقات، گروهها و شخصیتهای غیر متشکل دموکرات و ترقیخواه متعلق به جنبش دموکراتیک و ترقیخواه کشور، دعوت به عمل آوردیم تا به حیث وجدانهای جمعی بیدار و نهادهای با تجربه و با اعتبار وطن، به ندای زحمت کشان وطن سوخته مان، پاسخ مثبت

دهند و اراده های جمعی شانرا با نیرو و ابتکار شان در راستای حمایت و تقویت ائتلاف، تکوین یک حزب بزرگ مستقل و اساسگذاری نخستین کنگره آن گره زنند.

ما کاملاً واقفیم که وحدت مکمل سازمانی، یک مبارزه طولانیست و نمیشود سایه افتراق بیست سال جدایی و پراکنده گی را در یک روز و یک باره و یا با چند نشست از فراز جنبش دور ساخت ولی با مواضع روشن اندیشه یی - سیاسی و پیش کشیدن اصول واقعاً دموکراتیک و تبارز اراده صادقانه به امر وحدت، میشود روند آنرا بیش از پیش سرعت بخشید و شتابان ساخت.

نباید به بهانه " انتظار به حکم محکمه تاریخ در مورد جفا کاران جنبش ترقیخواهانه دیروز " و "تصفیه حساب گذشته" موانع در برابر فرآیند وحدت و اتحاد ترقیخواهان افغانستان که دیگر مسیر خود را طی میکند، ایجاد کرد.

## رفقای گرانقدر،

ائتلاف به حیث یگانه امکان تشکل نیروهای مترقی در یک سازمان بزرگ سراسری مدافع منافع مردم افغانستان تبارز کرده است. ائتلاف پس از دو دهه شکست جنبش، امیدواری جدی را در اذهان ایجاد کرد و بار نخست این زمینه را فراهم ساخت تا مبارزان دموکرات، روشنفکران کشور و لایه های پیشرو جوانان و محصلان، حتا شماری از کارگزاران رده های مختلف دستگاه دولتی، سیمای نظام دیگری را به جای حاکمیت فاسد مافیایی کنونی، در ذهن بپرورانند. **وجود ائتلاف، تشکل الترناتیف دموکراتیک برای نظام کنونی را به یک امکان تاریخی مبدل ساخت.**

آنگونه که از اسناد مرامی سازمانها، گروه ها و محافل دموکراتیک افغانی برمیآید، همسویی و توافق در خطوط کلی و بنیادی آنها کاملاً آشکار است. اختلاف و تفاوتها به پیمانه یی نیستند که مانع اشتراک در یک نهاد وسیع - بر بنیاد یک سند واحد مرامی برای پاسخ دادن به وضعیت اسفبار کنونی گردد.

و اما حزبی را که ما خواهان آن هستیم کدام حزب است؟

حزبی که در چشم انداز پویه بالنده گی ائتلاف قرار دارد نیازمند جهانبینی خواهد بود که بتواند از فراسوی ایدیالوژیهای دیرینه یا معاصر، کلید فهم عملی جامعه افغانی را در همه ابعاد

آن، عرضه کند. در این زمینه دو گرایش افراطی در جریان دو دهه اخیر در جنبش دموکراتیک کشور شکل گرفته اند، یکی آن که با هراس از فروغلتیدن دوباره حزب بعدی به پرتگاه خشک اندیشی، باورمندی مذهبی وار و دگماتیسم ایدئولوژیک ویرانگر، مراجعه به هر گونه دستگاه منسجم فکری را مردود می‌شمرد و ضرورت داشتن آن را برای یک حزب - ولو حزب آینده ساز باشد - نفی می‌کند. دو دیگر آنکه ایدئولوژی را پایه و اساس تشکل در یک حزب پنداشته، یکسانی نظر، داوری و اسلوب تفکر را اصل عدول ناپذیر تعلق به حزب می‌داند. اما گرایش سوم، که فراتر از این دو تمایل مسأله نقش اندیشه و تیوری علمی را در زمینه تحلیل‌های حزب، تدوین برنامه های دورنمایی و مقطعی آن، رهنمایی حرکت‌های اجتماعی و سازماندهی پراتیک سیاسی حزب در وضعیت سیاسی کشور، مورد بحث قرار می‌دهد، خود این تیوری را نیز در مقام یک پدیده اجتماعی - تاریخی عصر ما قرار می‌دهد، یعنی نسبی بودن و گذرا بودن آن را در پهنه تاریخ می‌پذیرد و آن را پیوسته در پیشرفت و دگرگونی می‌بیند. مشهور است که این تیوری در خدمت چنان حرکت اجتماعی قرار دارد که با رسیدنش به آماج فرجامین، یعنی جامعه داد بنیاد، ضرورت وجود این تیوری را منتفی می‌سازد. در جامعه فاقد تضادهای طبقاتی، ضرورت تیوری مبارزه طبقاتی خاموش می‌گردد.

این گرایش، تحلیل واقعیت جامعه افغانی را هرگز فدای قالب‌هایی از پیش ساخته دستگاه های جزمی اندیشه یی نخواهد ساخت. استراتژی و تاکتیک‌های حزب پیوسته برواقعیت افغانی و اوضاع مشخص منطقه و جهان تکیه خواهد داشت، نی بر کدام الگوی از پیش ساخته ذهنی!

از نگاه پیوندهای اجتماعی، حزب صرف شعار طبقه کارگر را عنوان نخواهد کرد، بل، مجموع زحمتکشان افغانستان، یعنی همه طبقات و اقشاری را که در اثر سلطه مناسبات استثمارگرانه سده های متوالی و حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی زیر پوشش ناتو در بستر بینوایی، فقر، بیسواد، بیماری و ده ها فاجعه دیگر به سر می‌برند و چیزی جز نیروی کار شان در اختیار ندارند، تکیه گاه اجتماعی خود تلقی می‌کند و از آنها نماینده گی و حمایت می‌کند.

چنین است رفقای عزیز راستاهای فکری که رهبری ائتلاف برای پایه گذاری حزب بعدی در معرض تفکر جنبش دموکراتیک کشور قرار می‌دهد. ما جداً مصمم هستیم که نوزایی جنبش متشکل دموکراتیک کشور را در گسست قانونمند از عناصر منفی چپ دیروزی به سر رسانیم. همه پرسی از اعضای سازمانهای مشمول ائتلاف و مبارزان تشکل نیافته جنبش در باره ویژه



گیهای حزب واحدِ فردای ما جریان دارد. بار نخست است که به صفوف جنبش مراجعه می شود تا خود، وضع را تحلیل کرده، نظریات و پیشنهادهای خود را در بارهٔ حزبی که فردا عضویت آن را کسب می کنند، ارایه بدارند. دموکراسی مستقیم چنین است که مبارزان صف سرنوشت سازمان شان را تعیین کنند و ما به این اصل همیشه وفادار خواهیم ماند. تجربهٔ تلخ احزاب چپ دیروزی گواهی می دهند که غصب حقوق و صلاحیتهای صفوف توسط ارگانهای مرکزی حزب، باعث بروز دیکتاتوری مقامات و ارکان بیروکراتیک حزب می گردد. با چنین روشنبینی است که ما گامهای اول تدارک کنگرهٔ اساسگذار را خواهیم برداشت. ما باید روی استقلال اندیشه یی، سیاسی و سازمانی ائتلاف امروزی و حزب فردای ما تأکید ورزیم و در مقام یک نیروی سیاسی خارج از دایرهٔ عملکرد ارتجاع در وضعیت سیاسی، در پهنهٔ تاریخ عروج کنیم. زحمتکشان افغانستان باید سیمای شفاف، متعهد و پاکیزه سرشت این نیرو را ببینند، به حقانیت راه و پراتیک آن باور حاصل کنند و در نهایت به آن به حیث نمایندهٔ سیاسی و آئینهٔ آرمانهای شان اعتماد کنند. هرگونه پیوند نا موجه و هرگونه معامله گری سود جویانه با ارتجاع، از اعتبار سیاسی ائتلاف خواهد کاست. ما جداً متوجه هستیم که در دام چنین وسوسه ها نیفتیم.

**رفقای عزیز،**

آنچه در این محدودهٔ کوچک زمانی ضرور بود باشما در میان گذاشتیم و معتقد هستیم که بر پایهٔ همکاریهای دو و یا چند جانبه در مبارزه علیه هیولای سرمایه وحدت نیروهای منطقهای ضروری پنداشته می شود و با شما و سائر رفقای ایرانی خویش برای ایجاد چنین نهادی ابراز آماده گی می کنیم.

**- پیروزی از آن خلقهای مان است!**

**مؤرخ ۱۹ اپریل ۲۰۱۳ برلین**